

داستان دزد و ملا

محمود بهنام

خمینی، در موعظه‌های سیاسی-مذهبی مکرر خود، با اشاره به تقوا و منزه بودن روحانیون، چند بار حکایتی را با این مضمون نقل کرده بود که روزی مردم طلبه‌ای را در حین دزدی دستگیر می‌کنند و مؤمنان خبر آن را پیش مجتهد و مرجع تقلید می‌برند و او می‌گوید که این شخص دزدی است که به لباس روحانیت درآمد است و گرنه روحانی که دزد نمی‌شود! سوژه اصلی فیلم جنجال برانگیز و پرفروش «مارمولک» که در اردیبهشت امسال در سینماها به نمایش درآمد، همین حکایت است.

داستان فیلم از این قرار است که دزد سابقه‌داری به نام رضا، که نقش مارمولکی را بر بازویش خالکوبی کرده و به «رضا مارمولک» معروف شده است، در پی انجام عملیات سرقت در اثر حادثه‌ای زخمی و در بیمارستان بستری می‌شود. مأموران پلیس وی را ردیابی کرده و برای دستگیری او به بیمارستان می‌آیند ولی رضا مارمولک با پوشیدن لباسهای آخوند هم اتاقش در آن بیمارستان، از چنگ مأموران می‌گریزد. او بعد از فرار هم لباس آخوندی را از تن در نمی‌آورد و بلکه می‌خواهد از «مزایای» آن هم بهره‌مند شود. در ادامه ماجراهای مضحک، او امام جماعت مسجدی می‌شود. موعظه می‌کند و دعوای زن و شوهری از اهل محل را پایان می‌دهد... و در نهایت نیز به «خدا» راه پیدا می‌کند. سرانجام مأموران وی را شناسائی کرده و ظاهراً در صدد دستگیری او بر می‌آیند و فیلم با پایانی معلق به انتها می‌رسد.

کارگردان این فیلم کمال تبریزی، از فیلم‌سازان با سابقه و مورد تأیید دستگاههای حکومتی است که، پیش از این، اغلب ساخته‌های او، مانند «شیدا»، «لیلی با من است» و «مهر مادری»، فیلمهایی با مضمون «دفاع مقدس» (جنگی) و یا درباره مسائل عاطفی و خانوادگی بوده است. تهیه‌کننده آن هم منوچهر محمدی است که از عناصر پرنفوذ و شناخته شده صنعت سینمای ایران در دوران

بود که اختلاف بین «علما» در این باره که این فیلم بالاخره به سود ملایان است و یا به زیانشان، هنوز ادامه داشت. با وجود اعلام صریح سازندگان که این فیلم قبلاً به وسیله وزارت اطلاعات، دستگاه قضائی و سازمان بازرسی کل کشور، ملاحظه و تأیید گردیده است و با اینکه اعطای جایزه به آن در جشنواره رسمی و دولتی «فجر» در سال گذشته و حتی حمایت برخی رسانه‌های کاملاً سنت‌گرا (مثل روزنامه رسالت) از آن، نشانه‌های دیگری از تأیید «مارمولک» بود، ولی مخالفان همچنان خواستار سانسور بخش زیادی از فیلم و یا توقیف آن بودند. کمال تبریزی، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری «فارس»، با تأکید مجدد بر این که امکان دارد «که خدای ناکرده از نظر عده‌ای این فیلم در ظاهر در استهزای روحانیت باشد - که البته به طور قطع این طور نیست - ولی این فیلم در لایه‌های زیرین خود به شدت از روحانیت دفاع می‌کند»، خواهان دخالت وزارت ارشاد و پایان دادن به توقیف فیلم خود شد.



سرانجام با تلاشهای این وزارتخانه و «کسب نظرات برخی از روحانیون شناخته شده و مطلع از مسائل فرهنگی و اجتماعی، به دلیل دغدغه و حساسیتی که نسبت به شأن والای روحانیت وجود دارد»، و با حذف «چند دیالوگ» که به قول تهیه‌کننده فیلم «ایجاد سوءتفاهم در انتقال مضمون به مخاطب می‌کرد»، اکران عمومی «مارمولک»، در دوم اردیبهشت، آغاز شد و، همانطور که پیش‌بینی می‌شد، به پرفروشترین فیلم تبدیل گردید. اما آغاز نمایش فیلم در سینماها نیز پایان جنجال «مارمولک» نبود. زیرا که نه تنها بخشی از آخوندها و پیروان آنها، کماکان مخالفت خود را با آن ابراز می‌کردند بلکه،

جمهوری اسلامی به حساب می‌آید. سازندگان «مارمولک» که به گفته خودشان فیلمی با هدف «دفاع از روحانیت» ساخته‌اند، در عین حال، نگاهی هم به گیشه سینماها داشته‌اند، در پرداختن به چنین موضوعی، در شرایط حاکم، جسارت آشکاری نیز از خود نشان داده‌اند. بهرام بیضائی، نویسنده و سینماگر مستقل و نامدار ایران، چند سال پیش در ارتباط با مشکلات فیلم سازی در ایران، به این مسئله هم اشاره کرده بود که هر فیلمی که ساخته می‌شود به نوعی به قشر یا صنفی که دارای اتحادیه و تشکیلات خود نیز هستند برمی‌خورد و این هم مانع مضاعفی ایجاد می‌کند. اما فیلم مارمولک به «صنف»ی می‌پردازد که نه تنها اتحادیه بلکه ارکان عمده حکومت را در دست خود دارند و بنابراین نزدیک شدن به آنها، در رسانه‌ها، خطرات فراوان دارد. به نوشته منتقد سینمایی «شرق»: «فکر نکنید مارمولک فقط شما را می‌خنداند. در این فیلم چیزهایی می‌بینید که غیر از کمال تبریزی و هم محلی‌هایش اگر کس دیگری آنها را به تصویر می‌کشید، الان نزدیک عیدی حالی برایش باقی نمانده بود». در هر حال، کارگردان با استفاده مناسب از یکی از شگردهای شناخته شده سینما و تئاتر، یعنی موقعیتهای متناقض، و با بهره‌گیری از بازی خوب پرویز پرستویی («حاجی کاظم» فیلم «آژانس شیشه‌ای») در نقش سارق حرفه‌ای و روحانی قلابی، توانسته است فیلمی شاد و موفق از نظر بینندگان بی‌شمار آن بسازد. (چندسال قبل هم، کارگردان تازه‌کاری به نام رضا میرکریمی، فیلم «زیر نور ماه» را، که زندگی طلبه جوانی را در وضعیت امروز ایران به تصویر می‌کشید، ساخته بود که در یکی از بخشهای جانبی فستیوال «کن» در سال ۱۳۸۰ نیز نشان داده شد ولی چون نمایش آن در داخل با محدودیت شدیدی روبرو گردید، بنابراین سر و صدای زیادی هم برنیا نگيخت).

اما اکران عمومی «مارمولک» با کشمکش و جنجال بسیاری روبرو گشت. این فیلم همه «مجوز»های لازم را دریافت کرده و تبلیغات مربوط بدان نیز در بهمن و اسفند گذشته انجام گردیده و موعد نمایش آن هم تعطیلات نوروزی امسال تعیین شده بود. اما در آن هنگام از نمایش آن جلوگیری شد، بدون آنکه حکم «توقیف» رسمی فیلم از جانب دستگاهی صادر شده باشد. برخی از مسئولان وزارت ارشاد، از تعویق اکران آن به بهانه «محرم و صفر» صحبت کردند ولی واقعیت آن

فریاد خواجه حافظ از دست واعظان، زاهدان و محاسبان که «چون به خلوت می‌روند، آن کار دیگر می‌کنند» همواره بلند است. و سعدی ملاحظه کار و گزیده‌گوی نیز در «بوستان» ش، ماهیت و کارکرد آنان را نشان می‌دهد:

«نه پرهیزگار و نه دانشورند همین بس که دنیا به دین می‌خورند».

اما در این ایام که ملایان بر همه ارکان حکومت چیره گشته‌اند امکان این را پیدا کرده‌اند که هم از «توبره» و هم از «آخور» بخورند. یعنی در سلک روحانیت و یا در مسند اختصاصی قضاوت به حقوق و اموال مردم دست درازی کرده و یا در حاصل دزدیهای دیگران شریک شوند و یا، در مقامات حکومتی، به دارائیها و ثروتهای عمومی که آنها را به عنوان «غنائم جنگی» خود تلقی می‌کنند، مستقیماً دسترسی پیدا کنند.

سانسور و سرکوب حاکم، البته، مانع از آنست که دامنه و ابعاد واقعی دزدیها و چپاولگریهایی که امروز به وسیله ملایان حاکم و وابستگان و شریکان آنها صورت می‌گیرد، کاملاً آشکار شود. اما همان اندازه که اخبار فساد و تخلفات برخی از آنها، توسط دستجات رقیب، در رسانه‌ها انعکاس می‌یابد، از رواج اینگونه تبهکاریها حکایت می‌کند. آخرین نمونه از آنها رسوایی بزرگ معروف به پرونده «شهرام جزایری و شرکا»، در سال ۱۳۸۰ بود که هنوز هم «مخومه» نشده است. در این قضیه آشکار شد که جدا از دزدان و رشوه بگیران مکلا، تعداد زیادی از آیت‌الله‌ها و آخوندهای ریز و درشت رژیم نیز رشوه‌های کلانی از شهرام جزایری و همدستان وی دریافت کرده‌اند. پیش از آن، در سال ۱۳۷۷، از سوءاستفاده مالی گسترده‌ای در خود دادگستری تهران، به ریاست حجت‌الاسلام رازینی، پرده برداشته شد که طی آن معلوم گردید، رازینی، طبق حکم خامنه‌ای، در حسابهای سپرده امانی اشخاص در نزد دادگستری، دست برده و میلیاردها ریال از این طریق جا به جا شده است. نمونه‌ای دیگر از اینها «فعالیت‌های اقتصادی» آیت‌الله شرعی، نماینده سابق مجلس و از مسئولان «جامعه مدرسین» است. وی با مشارکت عده‌ای دیگر از ملایان و نزدیکانشان، «مؤسسه اقتصادی فاطمیه» را در قم ایجاد کرده و به فعالیت‌های گوناگونی پرداخته و بزرگترین بیمارستان این شهر، «بیمارستان شهید بهشتی»، را در اختیار خودگرفته بود. بقیه در صفحه ۱۴

شده است. زندانی شدن کاریکاتوریستی که طرح فوتبالیست او را سانسورچیان به خمینی تشبیه کرده بودند و بازداشت طراح دیگری که تصویری از یک تمساح را به کنایه از آیت‌الله مصباح کشیده بود، تنها نمونه‌های بسیار شناخته شده عملکرد این سانسور و سرکوب است. در کتابی که اخیراً به صورت یک جلد از مجموعه قصه‌های فولکلوریک ایران انتشار یافته، در برخی از این قصه‌ها که به نحوی با آخوندها مرتبی بوده، سانسورچیان وزارت ارشاد، مؤلفان را ناچار به «تغییر» و «اصلاح» در آنها کرده‌اند. مثلاً عنوان یکی از این قصه‌ها «روباه و ملای طمعکار» بوده که در اثر سانسور به «روباه و میرزای طمعکار» تغییر یافته است.

برخلاف همه خطوط قرمزی که توسط خمینی و میراث خواران وی کشیده شده و میشود و بر خلاف ادعای حکایت مورد استناد خمینی که «روحانی دزد نمی‌شود»، در امثال، حکایات، فرهنگ عامه مردم و ادبیات این سرزمین، نه چنان حریم و مصونیت مقدسی برای ملایان، به عنوان یک صنف و قشر اجتماعی، وجود داشته و نه این صنف در مورد ارتکاب دزدی و بزهکاریهای دیگر از سایر صنفا مستثنی بوده است. همه آخوندها دزد نیستند، اما از نظر دزدی، فساد مالی و یا انواع دیگر تبهکاریها، تفاوت زیادی بین این قشر و اکثر اقشار دیگر جامعه وجود ندارد. تفاوت قابل ملاحظه در این باره شاید آن باشد که اینان که وظیفه «ارشاد»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «آخرت سازی» و نظایر اینها را بر عهده دارند، منکرات و خلافکاریهایشان را، به شکلی پوشیده‌تر و پیچیده‌تر، انجام می‌دهند.

در آن دوران که ملایان، نه همه ارکان حکومت، بلکه قضاوت، اوقاف، ثبت و ضبط اسناد، و قیمومیت و غیره را در دست داشتند، غالباً در بین توده‌های مردم به «رشوه‌خور»، «وقف خور» و یا «مال یتیم خور» شهرت داشتند. ناصرخسرو، به عنوان مثال، آنان را چنین معرفی می‌کند:

«این قوم که این راه نمودند شما را

زی آتش جاوید دلایلان شما اند

این رشوت خواران فقها اند شما را

ابلیس فقیهست گر اینها فقها اند

از بهر قضا خواستن و خوردن رشوت

فتنه همگان بر کتب بیع و شرا اند

رشوت بخورند آنکه رخصت بدهندت

نه اهل قضا اند بل از اهل قفا اند».

فراتر از آن و صرفنظر از اینکه نیت واقعی سازندگان چه بوده است، خود نمایش این فیلم، فرصت و بهانه مناسبی را برای استهزای روحانیت و مسخره کردن ملایان به وسیله مردم، و خصوصاً جوانان، به وجود آورد. نه تنها سالنهای تاریک سینما و یا محافل خصوصی و خانوادگی، که تاکسیها و اتوبوسهای شهری هم مکانی برای متلک پرانی، لطیفه‌گویی و طنز پردازی درباره آخوندها شد. «مرزهای مقدس» و «خطوط قرمز»ی که اینان آنهمه در ایجاد و حفاظت آنها مراقبت کرده بودند، بیش از پیش خدشه‌دار گردید.

پس از حدود دو هفته از شروع اکران «مارمولک»، آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان، علناً وارد معرکه شد و ضمن انتقاد شدید از نمایش این فیلم، رسماً خواستار توقیف آن شد. بعد از او نوبت آیت‌الله مکارم شیرازی و بعضی دیگر از آخوندهای سرشناس بود که نمایش «مارمولک» را «توهین» به لباس روحانیت اعلام کردند. ملا حسنی، امام جمعه ارومیه، نیز ساختن این فیلم را به «عوامل نفوذی آمریکا و استکبار جهانی» نسبت داده و آنها را به باد حمله گرفت. بعد از قم و مشهد، در ارومیه و رشت هم نمایش آن متوقف گردید. هفته‌ای بعد از آن، یعنی پیش از پایان اردیبهشت هم، اکران عمومی «مارمولک» در تهران و دیگر شهرهای کشور، به طور کلی، متوقف شد.

تهیه و نمایش «مارمولک»، جر و بحث‌های برخاسته پیرامون آن و، نهایتاً، توقیف آن، لایه‌های گوناگون سانسور حاکم را به نحو برجسته‌ای نمایان ساخت. لایه نخست این سانسور و خود سانسوری متوجه همه فیلمهاست. لایه مضاعف آن مربوط به سوژه «روحانیون» و «روحانیت» است که به صورت تابویی درآمده که نزدیک شدن به آن «ممنوع» است حتی اگر به نیت دفاع از «روحانیت» باشد. لایه سوم اما به رابطه میان آخوند و دزد، و به طور کلی، رابطه بین روحانیت و تبهکاری، برمی‌گردد که وارد شدن به آن به منزله ورود در «حوزه فشار قوی» است. این حصارهای تودرتوی ساخته و پرداخته حکومت ملایان برای مصون نگهداشتن آنها از هرگونه تعرض و انتقاد، وحتى شبیه سازی در قالب فیلم، البته اختصاص به سینما ندارد و سایر عرصه‌های هنری و فرهنگی نیز، کم و بیش، مشمول همین سانسورهاست. ترسیم طرح و کاریکاتور ملایان، به طور کلی، ممنوع